



## برخی ویژگی‌های رده‌شناختی گویش بختیاری مسجدسلیمان

والی رضایی<sup>۱</sup>

فرخنده شجاعی<sup>۲</sup>

### چکیده

در این مقاله تلاش خواهد شد تا پس از اشاره به ویژگی‌های رده‌شناختی زبان‌ها در حوزه نحوی به برخی از ویژگی‌های نحوی گویش بختیاری از جمله ترتیب سازه‌ها، ساخت ملکی، ساخت مجهول، نشانه مفعول، نشانه معرفه و ساخت صفت تفضیلی و عالی با توجه به انواع دسته‌بندی‌های زبان‌های دنیا در حوزه مطالعات رده‌شناختی پرداخته شود. در بختیاری ساخت فعل مجهول علاوه بر کاربرد فعل کمکی از شیوه ساختوازی نیز بهره می‌گیرد. همچنین در بیان ساخت مالکیت از روش مجاورت\* یعنی بدون استفاده از هیچ تکواژی بین مالک و مملوک استفاده می‌شود. گرچه می‌توان سازه‌ها را در جمله جابه‌جا کرد و این گویش در مقابل تغییر در آرایش اصلی سازه‌ها انعطاف‌پذیر است؛ اما به‌طور کلی این گویش از ترتیب SOV در آرایش سازه‌ها در جمله تبعیت می‌کند. در این گویش ساخت صفت عالی دارای سه شیوه بوده که فرایند دوگان‌سازی یکی از روش‌های رایج می‌باشد. همچنین نشانه مفعول معرفه پسوند -e است. برای نشان دادن معرفگی از سه پسوند -ke، -ho و -e استفاده می‌شود. داده‌های زبانی از طریق نوارهای کاست، ضبط گفتگوهای روزمره و مصاحبه‌های مختلف با گویشوران زن و مرد مسن و بی‌سواد که ساکن شهرستان مسجدسلیمان بوده و گویش را دقیق‌تر و دور از تأثیرات زبان فارسی تکلم کرده‌اند، جمع‌آوری شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** رده‌شناسی، گویش بختیاری، ساخت مجهول، ساخت ملکی، ترتیب سازه‌ها.

### \*. Juxtaposition

✉ | vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

✉ | lofa\_hsh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۳۱

۱- دانشیار زبانشناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبانشناسی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/rjhll.2017.2534.

## مقدمه

رده‌شناسی زبان یکی از زیربخش‌های زبانشناسی است که براساس ویژگی ساختاری اعم از صرفی و نحوی زبان‌ها، به طبقه‌بندی آنها می‌پردازد. در تلاش برای قرار دادن زبان‌ها در دسته‌ها و گروه‌های زبانی معیارهای چندینی به وجود آمد. رده‌بندی زبان‌ها فرآیند جمع‌بندی مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک چندین زبان است که با اصول خاصی به تعیین الگوهای کلی زبان‌ها می‌پردازد. یکی از مباحث مهم در مطالعات رده‌شناختی بررسی ترتیب سازه‌ها، ساخت مجهول و مالکیت است. علاوه بر مطالعه این ساخت‌ها، در این تحقیق سعی می‌شود تا به بررسی ساخت صفت تفضیلی و عالی، نشانه مفعول و معرفه از منظر رده‌شناختی در گویش بختیاری نیز پرداخته شود. از آنجا که گویش بختیاری شباهت‌های بسیاری با گونه‌های ایرانی باستان دارد، در کنار زبان فارسی و دیگر گویش‌ها مانند لری و کمزاری در شاخه زبان‌های جنوب‌غربی قرار دارد. گویش لری شامل شاخه‌های لر کوچک یعنی لری لرستان، لر بزرگ و گویش کهگیلویه و بویراحمدی است که هر یک چندین گونه دیگر را در بر می‌گیرند. از جمله گویش‌های لر بزرگ، گویش بختیاری است. گویش لری بختیاری، پرجمعیت‌ترین گویش در این گروه به‌شمار می‌آید، به همین دلیل کل مجموعه لر بزرگ را به نام بختیاری می‌خوانند.

گویش بختیاری در مناطق مختلف ایران رواج دارد و دارای گونه‌های متفاوتی می‌باشد. تقسیم‌بندی انواع گونه‌های این گویش براساس منطقه جغرافیایی است که گویش در آن رواج دارد، بر این اساس می‌توان به گونه‌هایی چون مسجدسلیمان، کوه‌رنگ، ایذه، بازفت و اردل اشاره کرد که دارای تفاوت‌های آوایی و گاهی ساختاوی با هم هستند. اکثر گویشوران بختیاری در مرکز و جنوب غرب ایران در استان‌های خوزستان، چهارمحال بختیاری و اصفهان سکونت دارند.

هدف این تحقیق بررسی برخی از ویژگی‌های مهم گویش بختیاری از دیدگاه رده‌شناسی است. پس از بیان انواع دسته‌بندی‌ها و الگوهای مهم رده‌شناختی زبان‌ها در حوزه‌هایی چون ساخت مجهول و مالکیت، به بررسی و تحلیل داده‌ها و همچنین تعیین الگوهای غالب در ساخت فعل مجهول، مالکیت و ترتیب سازه‌ها در این گویش پرداخته شده است. در این تحقیق نشان داده شد که این گویش طبق راهبردهای صرفی-نحوی که کرافت<sup>۱</sup> برای ملکی‌سازی عنوان کرد، از شیوه‌های مختلف برای بیان مالکیت استفاده می‌کند. همچنین در چارچوب رده‌شناختی و طبق الگوی کینان<sup>۲</sup> مشخص گردید که ساخت مجهول در گویش بختیاری با استفاده از فعل کمکی و همچنین به صورت ساختاوی و با استفاده از وند است.

## پیشینه

ایل بختیاری به دلیل شرایط زیستی ویژه و داشتن آداب و رسوم سنتی خود و پس از کشف نفت در مناطق بختیاری، از سوی محققان داخلی و خارجی مورد توجه بوده است. گذشته از اشاراتی که نویسندگان مختلف

1. Croft  
2. Keenan

در تحقیقات خود به سرزمین بختیاری و ویژگی‌های آن از جمله گویش آن داشته‌اند. افرادی مانند راولینسون<sup>۱</sup>، لایارد<sup>۲</sup> و کرزن<sup>۳</sup> به‌طور گسترده‌تری به سرزمین بختیاری سفر کرده و درباره آن تحقیق کرده و کتاب و سفرنامه نوشته‌اند.

مان<sup>۴</sup> (۱۹۰۴) محقق آلمانی درباره این گویش تحقیق کرده و تعدادی از متون نظم و نثر آن را به زبان آلمانی ترجمه و منتشر کرد. ژوکوفسکی<sup>۵</sup> (۱۹۲۳) ایران‌شناس روسی که پس از آمدن به ایران چند سالی را به مطالعه گویش‌های ایرانی از جمله بختیاری‌ها گذرانده‌است، به جمع‌آوری ترانه‌های عامیانه آنان در دوره قاجاریه پرداخته و آن را به چاپ رسانده است.

لوریمر<sup>۶</sup> (۱۹۲۲) یکی از ایران‌شناسان معروف انگلیسی طی مسافرت‌هایی که به نواحی بختیاری و ایجاد مناسبات نزدیک با بختیاری‌ها برای توسعه منافع انگلیس نمود، درباره ادبیات و گویش بختیاری نیز تحقیق کرده و بیشترین وقت خود را صرف مطالعه عمیق و دقیق زبان‌شناسی، نوع گویش و لهجه اقوام ایرانی، جمع‌آوری ادبیات شفاهی و فرهنگ عامیانه به‌ویژه گویش بختیاری کرد. حاصل تحقیق‌های چند ساله او، چندین کتاب ارزشمند در این باره است که در زمینه گویش‌شناسی به چاپ رسیدند. لوریمر بعد از معرفی بختیاری‌ها و محل سکونت و نوع زندگی‌شان، گویش آنان را با ذکر نمونه‌های زیادی از لغات بختیاری همراه با آوانگاری دقیق واژگان به سبک و شیوه زبان‌شناسی معرفی کرد.

لوکوک<sup>۷</sup> (۱۹۸۹) در کتابی تحت عنوان راهنمای زبان‌های ایرانی به دستور گویش‌های لری از جمله گویش بختیاری اشاره کرده است.

ویندفور<sup>۸</sup> (۱۹۸۹) یکی از دانشمندان بزرگ در حوزه مطالعات ایرانی است که طی مطالعات چندین ساله خود توانست در دانشنامه ایرانیکا به برخی از ویژگی‌های دستوری و واج‌شناسی گویش اشاره کند. همچنین وی در مقاله‌ای به صرف فعل در گویش اشاره کرده است.

مکینون<sup>۹</sup> (۲۰۰۲) و انونبای<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۳) نیز هر یک پس از تحقیقات خود در مقاله‌هایی جداگانه به بررسی گویش‌های لری پرداخته و اشاراتی نیز به بختیاری داشته‌اند. مکینون در مقاله‌ای چاپ شده در مجله استودیا ایرانیکا درباره گویش لری خرم‌آبادی نوشته و درباره تشابهات گویش‌های لری از جمله بختیاری سخن گفته است. انونبای نیز ۲۰۰ واژه از ۱۶ گونه گویش لری را با هم مقایسه کرده است (طاهری، ۱۳۸۹: ۴۱).

1. Rawlinson
2. Layard
3. Karzan
4. Mann
5. Zhukovski
6. Lorimer
7. Lokok
8. Windfuhr
9. Mackinnon
10. Anonby

با نگاه به معرفی و حفظ گویش‌های ایرانی و تلاش برای از بین رفتن آنها فعالیت‌های زیادی صورت پذیرفته است و گویش بختیاری نیز از این توجه بی‌نصیب نمانده است. در چارچوب زبان‌شناسی و حوزه‌های مختلف آن، فعالیت‌های بسیاری طی این سال‌ها توسط محققین ایرانی که اغلب بختیاری نیز بوده‌اند، صورت گرفته است.

ذوالفقاری (۱۳۸۱) در تحقیقی به بررسی نحوه کاربرد گویش بختیاری در شهر مسجدسلیمان و همچنین میزان تغییر و تحولی که در استفاده از این گویش در بین گویشوران ایجاد شده، تحقیق نموده است. در این تحقیق دو مبحث مهم حفظ زبان و تغییر زبان مورد توجه بوده است. با استفاده از پرسشنامه‌ای حاوی سی پرسش باز و بسته و بهره‌گیری از شیوه تحلیل حوزه‌ای به بررسی میزان کاربرد زبان فارسی و بختیاری در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی پرداخته تا براساس داده‌های به‌دست آمده بتوان میزان تأثیر عوامل اجتماعی مختلفی مانند سن، جنس، شغل و تحصیلات بر حفظ و زوال زبان بررسی شده و همچنین مشخص گردد که زبان فارسی به چه میزان و در بین چه قشری از افراد بیشتر به کار گرفته می‌شود.

طاهری (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان فعل در گویش بختیاری به بررسی ساختار مقوله نحوی فعل در گویش بختیاری رایج در منطقه کوه‌رنگ پرداخته است. در این مقاله ویژگی‌های مختلف دستوری مقوله فعل را مانند ماده‌های مضارع و گذشته، ساخت فعل مجهول، مصدر و صفت مفعولی همچنین انواع فعل از لحاظ زمان، وجه و تأثیر فرایند آوایی در صرف فعل در گونه رایج در منطقه کوه‌رنگ بررسی شده است.

طاهری (۱۳۸۹) همچنین در کتاب خود به بررسی و مطالعه گویش بختیاری رایج در کوه‌رنگ پرداخته است. وی توصیف کامل و جامعی درباره ویژگی‌های مختلف دستوری گویش بختیاری رایج در منطقه کوه‌رنگ در بین گویشوران ساکن آن ارائه داده است.

غلامزاده (۱۳۷۸) توصیفی زبان‌شناختی از گویش بختیاری رایج در منطقه ایذه و حومه ارائه داده است و نظام آوایی و ساخت واژگانی گویش را به‌صورت مطالعه‌ای هم‌زمانی بررسی نموده است. در این تحقیق توصیف ساختمان دستوری گویش بختیاری ایذه برپایه یکی از نظریه‌های مهم زبان‌شناختی به نام جهان یعنی نظریه مقوله و میزان از هلبیدی بررسی شده و بر طبق آن ویژگی‌های مختلف گویش مطالعه گردیده است.

فروتن (۱۳۸۷) نیز کوشیده است تا با رعایت قواعد و قوانین دستور زبان و براساس تعاریف و معانی دستور سنتی، واژه‌های اصیل بختیاری را در قالب جمله بیاورد. در این اثر با ارائه نمونه‌ها و داده‌های زبانی هریک از ابعاد ساختاری و ساخت‌های زبانی گویش را مورد تحلیل و کنکاش قرار داده و سعی شده است تا قواعد دستوری گویش با دستور زبان فارسی مقایسه ضمنی شود.

علیزاده گل‌سفیدی (۱۳۷۱) به بررسی و مطالعه گونه‌ای دیگر از گویش بختیاری که در منطقه جغرافیایی مشایخ بدان تکلم می‌شود، پرداخته است. وی در تحقیق خود گویش بختیاری منطقه را از دیدگاه مردم-شناختی بررسی نموده و ویژگی‌های آن را بررسی کرده است.

در دهه‌های اخیر تحقیق درباره زبان فارسی و دیگر گویش‌ها در حوزه رده‌شناسی بسیار صورت گرفته است. اما با همه تلاش‌هایی که در زمینه معرفی و توصیف گویش بختیاری در حوزه زبان‌شناسی شده است، تاکنون در حوزه رده‌شناسی فعالیتی صورت نگرفته است. این مقاله سعی دارد تا برخی از ویژگی‌های مهم نحوی گویش بختیاری مانند ساخت مجهول، ساخت مالکیت، ترتیب سازه‌های اصلی جمله و غیره را در چارچوب رده‌شناسی بررسی کند.

### مبانی نظری

رده‌شناسی زبان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی می‌باشد که به مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری بین زبان‌های مختلف می‌پردازد. هدف مهم پژوهش در مطالعه رده‌شناسی زبان تلاش برای کشف جهانی‌های زبان است یعنی دستیابی به مشخصه‌ها و الگوهای ساختاری که در تمام یا اغلب زبان‌های بشر وجود دارد. با توجه به ملاک‌های متفاوت چهار نوع رده‌بندی جغرافیایی<sup>۱</sup>، وراثتی<sup>۲</sup>، ریشه‌شناختی<sup>۳</sup> و رده‌شناختی<sup>۴</sup> از هم متمایز می‌شوند. ملاک قرارگیری زبان‌ها در رده‌بندی جغرافیایی، شباهت‌های زبانی است که به دلیل مجاورت مناطق جغرافیایی حاصل می‌شوند. در رده‌بندی وراثتی زبان‌ها به خاطر داشتن یک زبان فرضی اولیه مشترک در یک رده قرار می‌گیرند. در رده‌بندی ریشه‌شناختی به دلیل اینکه ممکن است زبان‌هایی دارای واژگانی با ریشه و منشأ مشابه وجود داشته باشد، در این قسمت قرار داده می‌شوند.

در رده‌بندی رده‌شناختی زبان‌های مختلف براساس شباهت‌ها و خصوصیات دستوری، در دسته‌های مختلف قرار می‌گیرند. ممکن است در رده‌بندی رده‌شناختی طبق ملاک‌های مورد نظر محقق به لایه‌های مختلف زبان پرداخته شود که براساس آن این حوزه شامل انواع رده‌شناسی ساختواژی، واج شناختی و نحوی است. رده‌شناسی از لحاظ اینکه کلیت یک زبان یا ویژگی‌های ساختاری آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد به رده-شناسی جزءگرا و کل‌گرا<sup>۵</sup> تقسیم می‌شود. در رده‌شناسی جزءگرا زبان‌ها از لحاظ ویژگی‌های ساختاری و ساخت‌های خود مانند آرایش اصلی سازه‌ها یا ساخت تفضیلی با هم مقایسه می‌شوند. بنابراین زبان‌ها در یک بخش خاص به رده‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند. در رده‌شناسی کل‌گرا زبان‌ها در کلیتشان با هم مقایسه می‌شوند.

در حوزه رده‌شناسی مکاتب و رویکردهای مهمی به‌وجود آمده است که هر یک پیروان خاص خود را داشته و فعالیت‌هایی داشته‌اند. پس از معرفی جهانی‌های گرینبرگ<sup>۶</sup> (۱۹۶۳) رویکرد وی را زبان‌شناسی که پیرو دیدگاه‌های او بودند و همچنین آنهایی که فلسفه گرینبرگ را در زمینه رده‌شناسی زبان در تحقیق خود

1. Geographical
2. Genetic
3. Etymological
4. Morphological
5. Partial and Holistic Typology
6. Greenberg

به کار می‌برده‌اند، تحت عنوان رده‌شناسی زبانی گرینبرگ معرفی کرده‌اند که به رده‌شناسی آمریکایی نیز معروف است. گرینبرگ برای اولین بار عنوان کرده است که ترتیب سازه‌ها حوزه مهمی در بررسی‌های رده‌شناسی به شمار می‌روند. او توانست با بررسی نمونه‌ای شامل سی زبان به چهل و پنج همگانی زبان دست یابد که آنها را در پیوست شماره سه تحقیق خود آورد (رضایی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۱۵). از این چهل و پنج نمونه از همگانی‌ها بیست و پنج مورد آنها جزء همگانی‌ها یا جهانی‌های تلویحی و مربوط به ترتیب کلمات بود. همگانی‌های گرینبرگ اساس کار در مطالعات رده‌شناسی است. در این رویکرد به توزیع داده‌ها و رده‌ها توجه می‌شود که اساس مقایسات رده‌شناسی است.

گروه رده‌شناسی لنینگراد یک رده‌شناسی جزء‌گرا است. آنها به دنبال تعیین یک نظام دستوری مشخص هستند نه کشف ارتباط بین نظام‌های دستوری مختلف. در این رویکرد از توصیف رده‌شناختی برای توصیف زبان‌های طبیعی استفاده می‌شود. در این رویکرد برای تعیین و رده‌بندی سازه‌ها دستوری بر ویژگی‌های ساختاری تکیه دارند نه بر معنا. برخلاف رده‌شناسی زبانی گرینبرگ، در گروه رده‌شناسی لنینگراد روش‌شناسی نمونه‌گیری زبان مسئله مهمی نیست (سونگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱: ۳۴۴).

گروه یونیتب کلن<sup>۲</sup> در اوایل دهه ۱۹۷۰ در دانشگاه کلن توسط هنس یاکوب سیلر<sup>۳</sup> در مؤسسه زبانشناسی در دانشگاه واقع در جمهوری فدرال آلمان بنیاد نهاده شد. این گروه نیز مانند گروه لنینگراد، رده‌شناسی جزء‌گرا را دنبال می‌کردند و علاقمند به بررسی پدیده‌های زبانی منفرد بودند، گرچه به نظر نمی‌رسد به روابط بین زبان‌ها اهمیت می‌دهند.

مکتب رده‌شناسی پراگ در دل مکتب ساختگرا و نقش‌گرای پراگ شکل گرفت. ویلم متسیوس<sup>۴</sup> در اواسط دهه ۱۹۲۰ این مکتب را پایه‌ریزی کرد. یکی از ویژگی‌های مهم مکتب پراگ این است که برخلاف دیگر رویکردها، رده‌شناسی کل‌گرا را دنبال می‌کند و به بررسی کل زبان می‌پردازند تا یک ویژگی خاص. در سال‌های اخیر با پیشرفت‌های رده‌شناسی زبان و بررسی جهانی‌های زبان نیاز به وجود داده‌های توصیفی دقیق از زبان‌های مختلف به وجود آمد و روش‌هایی نیز برای توصیف زبان‌ها در چارچوب رده‌شناسی زبان معرفی شد. در میان فعالیت‌های انجام شده می‌توان به پرسشنامه کامری اشاره کرد که در شماره ۱ جلد ۴۲ مجله لینگوا<sup>۵</sup> منتشر شد و براساس آن با هدف تدوین دستور توصیفی زبان‌ها برای بیش از ۶۰ زبان چون فارسی، ژاپنی، باسک، کره‌ای، فنلاندی و غیره دستور نوشته شده است.

- 
1. Song
  2. Cologne Unityp Group
  3. Seiler
  4. Mathesius
  5. Lingua

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

از ویژگی‌های قابل ذکر گویش بختیاری با توجه به چارچوب‌های رده‌شناختی می‌توان به ترتیب سازه‌ها در جمله، ساخت مالکیت، ساخت صفت و ساخت مجهول اشاره کرد. ترتیب سازه‌ها در گویش از قاعده کلی SOV تبعیت می‌کند؛ اما می‌توان در ترتیب عناصر در جمله نیز جابه‌جایی انجام داد و سازه‌هایی چون مفعول مستقیم و غیرمستقیم را به اختیار در جمله منتقل ساخت. در بیان مالکیت از شیوه‌هایی چون مجاورت، واژه-بست ملکی و غیره استفاده می‌شود. در زیر به هریک از این ویژگی‌ها با ارائه نمونه‌هایی از گویش اشاره شده است.

### آرایش سازه‌ها در جمله

آرایش سازه یکی از مباحث اصلی رده‌شناسی زبان است که بر مبنای آن زبان‌های مختلف از لحاظ ترتیب و توالی سازه‌ها در جهان بررسی می‌شوند و زبان‌شناسان در پی بررسی زبان‌ها از لحاظ آرایش سازه، به مقایسه و طبقه‌بندی آنها می‌پردازند. توزیع واقعی شش آرایش اصلی سازه در زبان‌های جهان از جمله پرسش‌های اساسی مورد توجه رده‌شناسان زبان است. به اعتقاد رده‌شناسان زبان، توزیع آرایش‌های اصلی احتمالاً نمی‌تواند تصادفی یا دلخواهی باشد و بحث لزوم توجه به جهانی‌های زبانی در این راستا اهمیت می‌یابد (سونگ، ۲۰۰۱: ۲).

در رده‌شناسی شش صورت برای آرایش سازه‌ها در زبان‌ها در نظر گرفته شده است که آرایش فاعل، مفعول و فعل را در جمله تعیین می‌کند. سه نوع آرایش، یعنی SVO، SOV و VSO، در بین زبان‌های دنیا متداول‌تر از سه نوع دیگر، یعنی OSV، VOS و OVS است (S=فاعل، V=فعل، O=مفعول).

گرینبرگ (۱۹۶۳) در بیان همگانی شماره یک از مجموع چهل و پنج همگانی که در حوزه رده‌شناسی زبان عنوان کرده، آورده است که در جملات خبری دارای نهاد و مفعول اسمی، آرایش غالب معمولاً به‌گونه‌ای است که در آن نهاد پیش از مفعول می‌آید. در بختیاری گرچه می‌توان گاهی مفعول را قبل از فاعل در جمله آورد اما ترتیب معمول سازه‌ها در جمله در گویش با توجه به همگانی مطلق شماره ۱ گرینبرگ به صورت فاعل + مفعول + فعل (SOV) است و نهاد پیش از مفعول می‌آید. در این الگو فاعل می‌تواند از فهرست اجزای جمله حذف شود.

۱) alī ketāv-ke ne xarīd.

علی کتاب را خرید.

۲) ketāv-ke ne xarīd.

کتاب را خرید.

در بختیاری جمله از الگوی (SOV) تبعیت می‌کند. اما این الگو ثابت نیست و گاهی تغییر می‌کند. در اثر جابه‌جایی سازه‌های اصلی مانند فعل، فاعل و متمم یا مفعول از جای اصلی خود گاهی از الگوهای فرعی

دیگری مانند OSV و SVO استفاده می‌شود. در چنین مواردی که فعل و مفعول پیش از نهاد در جمله می‌آیند، نوعی مبتداسازی و تاکید بر سازه صورت گرفته است.

۳) ketâv-ke ne alî xarîd.

کتاب را علی خرید.

۴) alî xarîd ketâv-ke ne.

علی خرید کتاب را.

در صورتی که گروه حرف اضافه‌ای مانند مفعول غیرمستقیم در جمله باشد، بعد یا قبل از مفعول مستقیم در جمله قرار می‌گیرد.

۵) mo be ho ī harfe ne resondom.

من به او این حرف را رساندم.

### ساخت مجهول

یکی از ساخت‌هایی که در رده‌شناسی زبان مورد توجه زبان‌شناسان مختلف بوده، ساخت مجهول می‌باشد. کینان (۲۰۰۷) در تحلیلی که از رده‌شناسی مجهول ارائه داده، عنوان کرده است که زبان‌ها اغلب از شیوه مجهول بی‌نشان برای بیان مجهول استفاده می‌کنند. مجهول بی‌نشان یا اصلی رایج‌ترین شیوه بیان مجهول است که یا از فعل کمکی استفاده می‌شود یا فاقد فعل کمکی بوده و به صورت ساختوازی است. علاوه بر این موارد، نوع دیگری از ساخت مجهول نیز وجود دارد که غیرشخصی نام دارد و در آن از فعل با شناسه سوم شخص جمع استفاده می‌گردد. در بختیاری از دو شیوه مجهول اصلی و مجهول غیرشخصی استفاده می‌گردد.

### مجهول اصلی

رایج‌ترین نوع ساخت مجهول در گویش، مجهول اصلی است که از هر دو شیوه آن در گویش استفاده می‌شود. در ساخت مجهول با فعل کمکی، از فعل ربطی *âvbî* (شدن) در کنار اسم مفعول استفاده می‌گردد. در زیر به نمونه‌هایی از صورت‌های معلوم و مجهول از گویش بختیاری اشاره شده است.

۶) A: dešmen pīyâ-yal e mēne jang košt.

دشمن مردها را در جنگ کشت.

B: pīyâ-yal mēne jang košte vâbîn.

مردها در جنگ کشته شدند.

۷) A: doz pây çīyâm e bord.

دزد تمامی چیزهایم را برد.

B: pây çīyâm borde vâbîn.

تمامی چیزهایم برده شدند.



در مجهول ساختوازی جزئی به صورت پیشوند، پسوند و یا میانوند به فعل اضافه می‌شود. کنت (۸۸:۱۹۵۳) در اشاره به بیان مجهول در فارسی باستان گفته است که یکی از شیوه‌های ساخت مجهول در فارسی باستان علاوه بر ترکیب اسم مفعول همراه با فعل بودن، ساخت مجهول به صورت ساختوازی است. همچنین در فارسی میانه غربی نیز پسوند *-ih* برای ساخت ماده مجهول از ماده مضارع گذرا به کار گرفته می‌شد، مانند *xwan-ih* به معنای خوانده شدن (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵:۱۶۶). در بختیاری ساخت مجهول به روش ساختوازی که شیوه متداولی است به صورت افزودن پسوند *-eh* به پایان اسم، صفت و ماده مضارع گذرای فعل‌های اصلی و ساخت ماده ناگذر - مجهول به دست می‌آید. هرگاه اسم، صفت یا ماده مضارع گذرا به یکی از همخوان‌های *-s-n-m-r* و *-š* پایان یابد، بین این همخوان‌ها و *-h* جابجایی انجام می‌گیرد (طاهری، ۱۳۸۹:۵۴). ماده ماضی ناگذر - مجهول از افزودن پسوند *-est* به ماده مضارع ساخته می‌شود. در اغلب ماده‌ها، همخوان *h* برای سهولت تلفظ نمی‌گردد و واکه ماقبل آن کشیده تلفظ می‌شود.

#### جدول ۱: ساخت ماده مجهول در گویش بختیاری

ماده مضارع، اسم و صفت	ماده مجهول	ماده ماضی مجهول
kan-	kahn	kahnest
zan-	zahn	zahnest
šūr-	šūreh	šūrehest
telq	telqeh	telqehest
kaš-	kahš	kahšest

۸) A: alī mene bâzī tanâf e kahnd.

الف: علی توی بازی طناب را کند.

B: mene bâzī tanâf kahnest.

ب: توی بازی طناب کنده شد.

۹) A: mo potol e telqenîdom.

الف: من سوسک را له کردم.

B: potol telqehest.

ب: سوسک لهیده شد.

۱۰) A: mayles-ke ne pâ:šonden.

الف: مجلس را از هم پاشیدند.

B: mayles-ke pâ:šest.

ب: مجلس از هم پاشیده شد.

### مجهول غیرشخصی

در مجهول غیرشخصی از جمله‌های بدون فاعل و فعل با شناسه سوم شخص جمع استفاده می‌گردد. در این گویش شناسه سوم شخص جمع به وسیله پسوند -en بیان می‌شود که به پایه فعل می‌چسبد.

۱۱) mâle ne qârat kerden.

مال را غارت کردند.

۱۲) nûnâ ne napohden.

نان‌ها را نپختند.

در ساخت مجهول عامل به دلیل کم اهمیت بودن و یا به عمد ذکر نمی‌شود. اما می‌توان عامل و کنشگر را به صورت گروه حرف اضافه‌ای در جمله مجهول قید کرد. در گویش بختیاری اغلب برای بیان کنشگر جمله مجهول را به معلوم تبدیل می‌نمایند تا عامل ذکر شود.

۱۳) A: pîyâ-yal mêne jang košte vâbîn.

الف: مردها در جنگ کشته شدند.

B: ke pîyâ-yal e mêne jang košt?

ب: چه کسی مردها را در جنگ کشت؟

A: dozon pîyâ-yal e košten.

الف: دزدها مردها را کشتند.

اما تحت تأثیر زبان فارسی نیز گاهی از حرف اضافه مرکب مانند «به دست و توسط» استفاده می‌شود.

۱۴) pîyâ-yal be daste dozon košte vâbîn.

مردها به دست دزدها کشته شدند.

### ساخت ملکی

کرافت (۲۰۰۳) انواع روش‌های صرفی- نحوی ساخت ملکی را بر حسب کاربرد تکواژ خاصی برای نشان دادن ساخت ملکی به دو دسته تقسیم کرده است. دسته‌ای که دارای تکواژ اضافه هستند و آنهایی که فاقد تکواژ اضافه‌اند.

دسته اول خود از دو شیوه بهره می‌گیرد. زبان‌هایی که از راهبردهای ربطی<sup>۱</sup> و زبان‌هایی که از راهبردهای نشانه‌ای<sup>۲</sup> استفاده می‌کنند. راهبرد ربطی مانند پیونده<sup>۳</sup> یا کسره اضافه در زبان فارسی است که مملوک را به مالک مرتبط می‌کند. بختیاری نیز از جمله گویش‌هایی است که از پیونده یا کسره اضافه برای بیان مالکیت بهره می‌گیرد. در این روش مالک می‌تواند اسم یا ضمیر باشد. از روش کسره اضافه برای بیان مالکیت

1. Relational  
2. Indexical  
3. Linker

جداشدنی و قابل انتقال استفاده می‌شود؛ اما به ندرت برای مالکیت جدانشدنی و غیرقابل انتقال از این استفاده می‌گردد. از لحاظ میزان استقلال عناصر در چنین ساختی گویش بختیاری بین زبان‌های پیوندی و آمیخته قرار می‌گیرد.

گرینبرگ (۱۹۶۳) درباره مالک و مملوک بیان کرده است که مالک در زبان‌های دارای حروف اضافه پیشین تقریباً همیشه پس از اسم مملوک و در زبان‌های دارای حروف اضافه پسین پیش از مملوک می‌آید. از آنجا که بختیاری نیز مانند زبان فارسی در دسته زبان‌های دارای حروف اضافه پیشین قرار می‌گیرد، طبق همگانی مذکور مالک باید پس از مملوک بیاید که در تمامی شیوه‌های بیان مالکیت در گویش این همگانی رعایت شده است و سازه‌ها در ساخت ملکی این گویش دارای آرایش مملوک- مالک می‌باشند. در بختیاری برای مالک و مملوک نشانه صرفی خاصی برای بیان مالکیت ندارند.

۱۵) pīl e xot

پول خودت

۱۶) šâx e boz

شاخ بز

۱۷) ketâv e mo

کتاب من

دسته فاقد تکواژ خود شامل روشهایی چون مجاورت، واژه بست ملکی و ادغام است. در روش مجاورت مالک و مملوک بدون هیچ تکواژ یا تغییری در کنارهم قرار می‌گیرند. در روش واژه بست ملکی هر دو سازه به یکدیگر می‌چسبند. در این روش عنصر مملوک به صورت ریشه و عنصر مالک به صورت وند می‌آید، به این روش وندافزایی نیز گویند. در روش ادغام، هر دو سازه در هم ادغام شده و یک سازه را تشکیل می‌دهند (شریفی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۰).

۱۸) pâ morq

پا مرغ

۱۹) tē bačom

چشم پسر م

۲۰) kor xot

پسر خودت

در روش واژه بست ملکی، مالک ضمیری به صورت ضمیر متصل یا واژه بست به مملوک افزوده می‌شود. از این شیوه هم برای مالکیت عناصر جداشدنی و هم عناصر جدانشدنی استفاده می‌شود. بختیاری از لحاظ میزان استقلال عناصر در روش واژه بست ملکی جز زبان‌های پیوندی است.

۲۱) baw-om

۲۲) eškam-es	پدرم
۲۳) γor-et	شکمش
۲۴) ketâv-om	گلویت کتابم

از دیگر روش‌های ساخت ملکی در گویش استفاده از عنصر ze «از، از آن» است. در این روش عنصر ze بین مملوک و مالک می‌آید. از این روش برای بیان مالکیت جداشدنی استفاده می‌شود. مالک می‌تواند اسم، ضمیر شخصی و مشترک باشد. در بیان مالکیت در جمله اغلب از این شیوه استفاده می‌شود.

۲۵) hone ze mone.

خانه مال منه.

۲۶) habâ ze xose.

قرص‌ها مال خودشه.

۲۷) ya mēš zem zoyīd e.

یکی از میش‌هایم زاییده است.

### ساخت صفت

در ساخت همسان یا مقایسه‌ای از واژه‌هایی چون čande «به اندازه»، čandyak، hamqad و hamqozar «همانقدر، به یک اندازه» استفاده می‌شود و با آنها همسانی نشان داده می‌شود. وقتی دو عنصر مقایسه شوند در یک بند باشد از واژه čande و زمانی که دو عنصر در داخل دو بند قرار گیرند از واژه‌هایی چون hamqozar و hamqad استفاده می‌گردد.

۲۸) kâš mo čande to pīl dâštom.

کاش من هم به اندازه تو پول داشتم.

گرینبرگ (۱۹۶۳) درباره مقایسه‌های تفضیلی عنوان کرده است که اگر در مقایسه‌های تفضیلی تنها ترتیب یا یکی از ترتیب‌های اصلی «حرف مقایسه - نشانه برتری - صفت» باشد، آنگاه زبان دارای حروف اضافه پسین است. معمولاً اگر تنها ترتیب موجود «صفت - نشانه برتری - حرف مقایسه» باشد، آن زبان دارای حروف اضافه پیشین خواهد بود. با توجه به همگانی بالا از آنجایی که این گویش جزء زبان‌های دارای حروف اضافه پیشین است ترتیب دوم یعنی صفت - نشانه برتری - حرف مقایسه رعایت می‌شود. در بختیاری صفت تفضیلی با افزودن پسوند -tar به صفت مطلق ساخته می‌شود مانند: Ištār «بدتر»، kočīrtar «کوچکتر».

belamtar «پایین‌تر». در ساخت تفضیلی از یک عنصر مقایسه‌شونده، حرف اضافه ze پیش از متمم صفت تفضیلی و همچنین معیار مقایسه به اضافه پسوند -far استفاده می‌شود که در جمله صفت تفضیلی را می‌توان به جایگاه قبل از فعل آورد.

۲۹) mēre-s ze xos jawōntar e.

شوهرش از خودش جوانتر است.

۳۰) hone īmâ ze hosâmon belamtar e.

خانه ما از همسایه‌مان پایین‌تر است.

از حرف ربط ze برای ایجاد مقایسه درون بند استفاده می‌شود و به ندرت از مقایسه درون بندی و کاربرد حرف ربط tâ بین عناصر مقایسه‌شونده استفاده می‌شود.

۳۱) send e sâle alī bīštar e ze mo.

سن و سال علی بیشتر است تا سن و سال من.

طاهری (۱۳۸۹) عنوان کرده است که بختیاری تکواژ خاصی برای بیان صفت عالی ندارد و به لحاظ صوری نشانه خاصی ندارد. برای نشان دادن صفت عالی این روش‌ها به کار می‌رود: الف) متمم صفت تفضیلی هرگاه اسمی جمع، ضمیر نامعین یا صفت نامعین همراه با اسم مفرد یا جمع باشد معنی صفت عالی دارد.

۳۲) hamo ke ze hame bēdongtar bī pēhrest bemon.

همان که از همه ساکت‌تر بود بامون دعوا کرد.

۳۳) to ze hame gašantaṛī.

تو از همه قشنگ‌تری.

ب) ترکیب اضافه مقلوب صفت و اسم جمع برای بیان صفت عالی به کار می‌رود:

۳۴) ī doḍar âḡel yono bī.

این دختر داناترین ایشان بود.

۳۵) ī mēš gap mešon e.

این میش بزرگترین میش‌هاست.

علاوه بر مواردی که طاهری بیان کرده است، در بختیاری گاهی از فرایند تکرار یا دوگان‌سازی برای ساخت صفت عالی استفاده می‌شود به این صورت که صفت مطلق بعد از اسم آمده و دوبار تکرار می‌شود:

۳۶) doḍar gape gape bīvī zanon hanī šī nakerde.

بزرگترین دختر بی‌بی‌زنان هنوز ازدواج نکرده است.

۳۷) ī jowe ho līše līšeson bī ke mo xarīḍom-es.

این پیراهن زشت‌ترینشان بود که من خریدمش.

## شمار

در گویش بختیاری به سه صورت دستگاه شمار نشان داده می‌شود. یکی از نشانه‌های مهم که کاربرد بسیاری در جمع بستن اسم‌ها دارد، نشانه -gal و -yal است. y حاصل تحول در زمانی g به y است. این نشانه‌ها برای جمع بستن اسم‌های مختوم به همخوان به کار می‌رود و برای جمع اسم‌های مختوم به واکه اغلب از صورت -yal استفاده می‌شود.

جدول ۲: تکواژ گونه‌های نشانه جمع

-yal	-gal
pīyâyl مردها	zan-gal زن‌ها
xaryal خرها	boz-gal بزها
kor-yal پسرها	dorgal دخترها

از دیگر نشانه‌های جمع در این گویش پسوند -on است که برای جمع بستن اسم‌های جاندار مختوم به همخوان مانند mešon «گوسفندها»، dozon «دزدها» و ba ḡon «قورباغه‌ها» به کار می‌رود. همچنین از دیگر نشانه‌های جمع پسوند -â است که هم برای اسم‌های جاندار و هم غیرجاندار کاربرد دارد. این گونه بعد از اسم‌های مختوم به همخوان می‌آید و در صورتی که اسمی به واکه ختم شود و در محیط‌های آوایی خاص از همخوان‌های میانجی y، w، h بین اسم و نشانه جمع استفاده می‌شود.

جدول ۳: کاربرد â به عنوان نشانه جمع

پسوند -â به همراه همخوان میانجی	پسوند -â
tūwâ خانه‌ها (اتاق‌ها)	pīlâ پول‌ها
čīyâ چیزها	melâ موها
habhâ قرص‌ها	gūsendâ گوسفندها

## شیوه نشان دادن مفعول

از آنجا که ترتیب و توالی سازه‌ها در جمله ثابت نیست و با جابه جاشدن عناصر معنای جمله تغییر می‌کند گویش بختیاری نیز همانند زبان فارسی از شیوه مطابقه و حالت‌دهی برای نشان دادن نقش فاعل و مفعول استفاده می‌کند. از شیوه مطابقه و قرارگیری شناسه بر روی فعل برای نشان دادن فاعل در جمله استفاده می‌شود. برای نشان دادن نقش مفعولی از شیوه حالت‌دهی و کاربرد نشانه (n)e «را» استفاده می‌گردد. پسواژه e برای نشان دادن مفعول معرفه در جمله به کار می‌رود. در صورتی که واژه مختوم به واکه باشد از همخوان میانجی n استفاده می‌شود.

۳۸) pīlâ-t e nane ūčo.

پول‌هایت را آنجا نگذار.

۳۹) dasmâl-om e derdom.

دستمالم را پاره کردم.

۴۰) ū pīyâho ne ašnī?

آن مرد را می‌شناسی؟

۴۱) bīyaw qazâ ne bar kon.

بیا غذا را تقسیم کن.

**نشانه معرفگی**

نشانه معرفه در بختیاری به سه صورت -e، -ke و -ho نشان داده می‌شود. این پسوندها به اسم‌های مفرد و جمع متصل می‌شوند. اما هر یک از این نشانه‌ها در شرایط خاصی استفاده می‌گردند. پسوند -ho می‌تواند با اسم‌هایی بیاید که دارای وابسته پیشین مانند صفت اشاره است. در صورتی که اسم بدون صفت اشاره به کار رود، این نشانه معنای اشاره را در خود نهفته دارد. هنگامی که اسم با صفت در جمله بیاید، نشانه معرفگی به پایان صفت اسم افزوده می‌شود.

۴۲) pīyâ-ho

(آن) مرد (معرفه)

نشانه -k و -e به اسم‌هایی افزوده می‌شوند که بدون صفت اشاره به کار رفته‌اند. در صورتی که بعد از اسم صفت بیاید، نشانه معرفه به صفت متصل می‌شود.

۴۳) bače-ke

بچه

۴۴) tū kočīr-e

خانه کوچک (معرفه)

۴۵) bače gerdel-ke

بچه تپل (معرفه)

هنگامی که اسم دارای نشانه جمع و معرفه باشد نشانه معرفه بعد از نشانه‌های جمع می‌آید (طاهری، ۱۳۸۹:۱۱۳).

۴۶) tū-wâ-ho

اتاق‌ها

۴۷) tīl-on-ke

جوجه‌ها

### نتیجه‌گیری

در این تحقیق به برخی از ویژگی‌های گویش بختیاری در چارچوب رده‌شناختی اشاره شده است. یکی از مباحث مهم در مطالعات رده‌شناختی بررسی ترتیب سازه‌ها، ساخت مجهول و مالکیت است. علاوه بر مطالعه این ساخت‌ها، در این تحقیق به بررسی ساخت صفت تفضیلی و عالی، شیوه نشان دادن مفعول و نشانه معرفه از منظر رده‌شناختی در گویش بختیاری نیز پرداخته شد. از آنجا که ترتیب و آرایش سازه‌ها در این گویش ثابت نیست اما به‌طور کلی از الگوی غالب SOV پیروی می‌کند. ساخت فعل مجهول همانند زبان فارسی از کاربرد فعل کمکی بهره می‌گیرد. اما علاوه بر این روش، از شیوه ساختوازی و افزودن پسوند -eh به اسم، صفت یا ماده مضارع فعل گذرا، ماده مجهول ساخته می‌شود، سپس با افزودن پسوند -est به ماده ماضی ماده ناگذرا- مجهول به‌دست می‌آید که هم برای ساخت مجهول و هم به‌عنوان فعل ناگذر در برابر گونه گذرای خود به‌کار می‌رود. برای بیان مالکیت از چهار روش مجاورت، وندافزایی، ساخت اضافه و کاربرد واژه ze استفاده می‌گردد. در گویش بختیاری، برخلاف زبان فارسی نشانه خاصی برای صفت عالی وجود ندارد و از دوگان‌سازی و ترکیب اضافه مقلوب صفت و اسم برای این ساخت استفاده می‌شود. نقش مفعول در جمله به شیوه حالت‌دهی و کاربرد نشانه e در جمله انجام می‌شود. در آخر باید عنوان کرد که گویش بختیاری سه نشانه برای معرفگی دارد که به‌صورت پسوند به اسم متصل می‌گردند.

### منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵)، دستور تاریخی زبان فارسی؛ تهران: سمت.
- البرزی ورکی، پرویز (۱۳۸۱)، رده‌شناسی ساختوازی، پژوهش‌های زبان‌های خارجی، شماره ۱۲، ص ۱۸-۳.
- دین محمدی، غلامرضا (۱۳۸۲)، رده‌شناسی در چهارچوب نظریه اصول و پارامترها، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ص ۱۸۴-۱۶۹.
- رضایی، والی (۱۳۸۹)، نگاهی تازه به ساخت مجهول در زبان فارسی، مجله پژوهش‌های زبانشناسی، سال دوم، شماره اول، ص ۳۴-۱۹.
- رضایی، والی و بهرامی، فاطمه (۱۳۹۴). *مبانی رده‌شناسی زبان*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- شریفی، شهلا (۱۳۸۸)، بررسی ساخت ملکی در زبان فارسی امروز از دیدگاه رده‌شناسی، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، اصفهان: دانشگاه اصفهان، سال اول، شماره اول، ص ۴۷-۶۱.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۵)، فعل در گویش بختیاری، گویش‌شناسی، دوره سوم، شماره ۱ و ۲، ص ۸۶-۱۰۸.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۹)، گویش بختیاری کوه‌رنگ، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- غلامزاده، اسحاق (۱۳۷۸)، توصیف زبان‌شناختی گویش بختیاری رایج در ایذه و حومه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.



- گلفام، ارسلان (۱۳۷۹)، شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی: جهانی‌ها ورده شناسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ص ۱۹۰-۱۷۱.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸)، دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناختی؛ ترجمه مهدی سمائی، تهران: انتشارات نشر مرکز.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۸۸)، بررسی مجهول در زبان فارسی بر پایه رده‌شناسی زبان، ویژه‌نامه فرهنگستان (دستور)، شماره ۵، ص ۱۵۶-۱۷۰.
- یوسفیان، پاکزاد (۱۳۸۱)، توصیف رده‌شناختی زبان بلوچی، پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی همگانی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- Kent, Ronald. (1953). *Old Persian Grammar*, New Haven Connecticut: American Oriental Society.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*, Cambridge university press: Cambridge.
- Greenberg, J. H. (1974). *Language Typology: a historical & analytic overview*. mouton: b The Hague.
- Greenberg, J. H. (1963). *Universals of Language*, MIT Press: London.
- Keenan, E.L. (2007). “Passive in the world’s languages.” In Shopen, ed. vol. I, 243\_8.
- Mackinnon, C. (2004). “Lori Dialects”, *Encyclopedia Iranica*. online, www.iranica.com.
- Shopen, T. (ed.), (2007). *Language typology and syntactic description*. 3Vols 2nd ed. Cambridge: CUP.
- Song, J. J. (2001). *Linguistic Typology: Morphology & Syntax*. Pearson Education Limit.
- Windfuhr, G. L. (1993). “Central Dialects”, *Encyclopedia Iranica*. vol4, ed.E. Yarshater, pp.242-252.